

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Iran's M.

آئینه ایران

اشرف دهقانی

۰۹ مارچ ۲۰۱۹

هشت مارچ ، روز جهانی زن گرامی باد!

زنان آگاه و مبارز ایران!

"شما بشمارانید – آن ها در مقابل شما بسیار اندکند." *

هشت مارچ، روز جهانی زن، روزی است که بر قامت آن مهر مبارزه زنان کارگر کوبیده شده و روزی است که تلاش بی دریغ زنان کمونیست برای نشان دادن راه رهائی زنان را با خود حمل می کند. این روز بر زنان ستمدیده ایران گرامی باد!

امسال روز جهانی زن در ایران در شرایطی فرا می رسد که یک سال از قیام های توده ئی دیمه [جدی] که فصل نوینی در تاریخ مبارزاتی توده های دلیر ما گشود می گذرد. همگان شاهد بودند و امروز نیز در تداوم آن مبارزات شاهدند که زنان کارگر و زحمتکش و همه زنانی که ظلم و ستم و تبعیض مضاعفی را زیر سلطه رژیم زن ستیز جمهوری اسلامی متحمل می شوند، با چه انبانی از خشم و نفرت نسبت به وضع موجود و با چه شجاعت تحسین بر انگیزی، برای رسیدن به آزادی جنگیده و می جنگند. تلاش های مبارزاتی و شجاعانه زنان در صفوف کارگران، کشاورزان، معلمان، بازنشسته ها، مال باختگان، دانشجویان، دانش آموزان و خلاصه در همه صحنه های مبارزه، بر هیچ کس پوشیده نیست. حضور آنها در هر جا که پیکار علیه استثمار و ظلم و بیداد برپاست، در میان خانواده های زندانیان سیاسی و یا خانواده های مبارزی که خون فرزندان شان به دست مأموران این رژیم بر زمین ریخته شده و در هر مبارزه بحق جاری در کف خیابان، از مبارزه علیه مأموران سرکوبگر شهرداری گرفته تا مبارزه برای تحقق خواسته های مشخص زنان و از جمله مبارزه علیه حجاب اجباری ، همه و همه جلوه هایی از نقش و تلاش سرسختانه آنان در مقابل نظم ضد خلقی کنونی است، همان نظم حاصل از سلطه سرمایه داری وابسته در ایران که تنها به قدرت ستمدیدگان، اعم از زن و مرد در هم شکسته و از بین خواهد رفت.

بدرستی گفته شده است که بدون شرکت وسیع زنان در یک جنبش انقلابی، هیچ انقلابی به پیروزی نمی رسد. دلیل این امر آن است که اولاً زنان نیمی از جمعیت یک جامعه را تشکیل می دهند و ثانیاً زنان طبقات فرودست به خاطر آن که در جوامع طبقاتی رنج و ستم های مضاعفی را نسبت به مردان هم طبقه خود متحمل می شوند ، دلایل بیشتری برای

شرکت در مبارزه جهت نابودی نظم ظالمانه حاکم دارند و به همین دلیل با پیگیری و سرسختی هر چه بیشتری در صحنه مبارزه نقش آفرینی می کنند. گواه بارز این امر همانا مبارزه پیگیرانه زنان تحت ستم ایران در عرصه های مختلف علیه رژیم جمهوری اسلامی ، علی رغم همه سرکوب ها و جو اختناق در چهل سال اخیر می باشد.

می توان لیست بلند بالائی از ستم ها و ظلم هائی که در سیستم سرمایه داری وابسته ایران با حاکمیت جمهوری اسلامی به طور ویژه بر زنان ایران اعمال می شود نظیر حق پوشش آزادانه، حق طلاق، حق مسافرت، حضانت و.... را عرضه کرد و بر این اساس خواسته های مشخص زنان در جهت رهایی از آن ظلم و ستم ها و عواقب دردناک آن در زندگی زنان را بر شمرد ، اما آنچه از اهمیت بالاتری برخوردار می باشد این است که راه تحقق این خواستها کدام است؟ آیا زنان تحت ستم ایران بدون شرکت در جنبش انقلابی عمومی دوشادوش مردان قادر به رفع ستم هائی می باشند که بر آنها به طور ویژه به دلیل زن بودنشان اعمال می شود؟ در اینجا است که بین نیروهای مرتجع و رفرمیست هائی که حتی به اسم چپ و کمونیست هم مدعی دفاع از حقوق زنان ایران هستند، مرزبندی بارزی با کمونیست های واقعی ترسیم می شود.

همگان در ایران شاهدند که درست در شرایط اوج گیری مبارزات مردم در دیماه [جدی] سال ۱۳۹۶ در شرایطی که زنان و مردان تحت ستم ایران به مبارزه دوشادوش خود علیه جمهوری اسلامی به مثابه رژیم وابسته به امپریالیسم مشغول بودند، یکباره موضوع حجاب اجباری و "دختران خیابان انقلاب"، در صدر تبلیغات رسانه های امپریالیستی چون "من و تو" قرار گرفت و این رسانه ها در حالی که سعی کردند توجه عموم را از مبارزات انقلابی جاری در جامعه به سوی این موضوع بکشانند، کوشیدند مبارزه صرف با حجاب اجباری را به مبارزه اصلی زنان تبدیل کنند. در این مسیر مبلغانی که تا دیروز به نام "اصلاح طلب" از هیچ اقدام رذیلانه ای در جهت تقویت رژیم جمهوری اسلامی کوتاهی نکرده بودند - که معنای واقعی آن تا جایی که به زنان تحت ستم ایران مربوط است همانا تلاش برای در بند نگاه داشتن آنان بود - مدافع رفع حجاب اجباری شدند.

واضح است که مبارزه صرف علیه حجاب اجباری باعث رهایی زنان از بندهای اسارت دیگری که در سیستم سرمایه داری وابسته حاکم و زیر سلطه رژیم جمهوری اسلامی بر دست و پای آنان بسته شده ، نمی گردد. اما رسانه های امپریالیستی با تمرکز تبلیغات خود روی این موضوع در حالی که می کوشند خود را مدافع حقوق زنان ایران جلوه داده و حسن نظر آنها را به طرف خود جلب کنند، در شرایطی که رژیم دست نشانده جمهوری اسلامی به دلیل رشد مبارزات توده ها در آستانه سقوط قرار گرفته ، این هدف شوم را هم تعقیب می کنند که پیشاپیش برای رژیم مرتجع دیگری که به عنوان آلترناتیو رژیم مذهبی کنونی خود را سکولار بنامد ، بازار گرمی کنند تا آن رژیم بتواند با حفظ همه ستمگری ها علیه زنان، با پز مخالفت با حجاب اجباری خود را مترقی و دموکرات جا بزند!

از طرف دیگر تقلیل مبارزه زنان صرفاً به مبارزه با حجاب اجباری، در عمل به معنای به حاشیه راندن بقیه مطالبات انقلابی آنها و مهمتر از همه ، باز داشتن زنان ستمدیده از مبارزه در کنار مردان هم طبقه خود علیه کلیت رژیم جمهوری در جهت رهایی از همه مظالم این رژیم می باشد. آیا زنان تحت ستم ایران در جهت رهایی خود از زیر بار ظلم و ستم های بی حد و حصری که به آنها می شود باید یا نباید همدوش مردان ستمدیده علیه همه مظاهر ارتجاعی سیستم سرمایه داری حاکم و کل این سیستم و رژیم حافظ آن مبارزه کنند؟ این، آن سوال اساسی است که در شرایط کنونی در مقابل مدافعان محدود کردن مبارزه زنان به مبارزه صرف با حجاب اجباری قرار دارد. اهمیت این سوال وقتی بخوبی درک می شود که تأکید کنیم که رژیم جمهوری اسلامی در حال حاضر بزرگترین مانع رسیدن زنان به حقوق حقه خویش می باشد و مبارزه برای سرنگونی این رژیم با نیروی متحد همه توده های ستمدیده، اعم از زن و

مرد، اولین گام برای دست یابی به مطالبات زنان و همه اقشار و طبقات مردم و خلاصه رسیدن به "نان، کار و آزادی" می باشد.

شکی نیست که زنان کارگر و زحمتکش به صورتی که تا کنون نشان داده اند در هر صحنه مبارزه علیه جمهوری اسلامی و وضع نکبت بار موجود با جدیت و سرسختی همراه با مردان هم طبقه خود شرکت می کنند. اما این امر مانع از آن نیست که نیروهای مرتجع و دنباله روان آنها در صف اپوزیسیون، نکوشند به اشکال مختلف با هم آواز کردن زنانی در جامعه با خود در پیشرفت این مبارزات خلل وارد آورند. برای ملموس کردن این موضوع می توان به عنوان مثال به برخورد دسته ای از آنان با مبارزه واقعاً سلحشورانه زنان در جریان خیزش مردمی بزرگ سال ۱۳۸۸ اشاره کرد که به جای تقدیر و ارزش گذاری به مبارزه زنان شجاع و دلاوری که در صف مقدم علیه ارتجاع جمهوری اسلامی می جنگیدند، به این زنان ایراد گرفتند که برای خواسته های زنانه شان مبارزه نکرده و در یک جنبش عمومی شرکت کرده اند. اینان با چنین ایده هائی، به واقع در راه مبارزه مشترک زنان و مردان تحت ستم ایران علیه رژیم جمهوری اسلامی سنگ اندازی می کنند. این خط انحرافی که زنان گویا باید حساب کارشان را از جنبش عمومی جدا کرده و در صفی جدا از مردان برای رفع حجاب و یا تحقق دیگر خواسته های بحق زنانه شان مبارزه کنند امروز، هم از طرف رسانه های امپریالیستی که تحت عنوان دفاع از "دختران خیابان انقلاب" خود را مدافع حقوق زنان ایران جا می زنند و هم از جانب دنباله روان آنان که حتی نام مارکسیست - لنینیست، کمونیسم و کارگر را هم با خود حمل می کنند، دنبال می شود. اما این خط، جنبش زنان را در بن بست قرار می دهد، در حالی که زنان مبارز ایران باید ضمن مبارزه برای تحقق خواسته های ویژه زنان، با قاطعیت هر چه بیشتری در هر جنبش عمومی که راه سرنگونی رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی را هموار می کند، شرکت کنند. تنها با در پیش گرفتن چنین راهی است که چشم انداز رهایی و گسست زنجیرهایی که در طول اعصار بر دست و پای زنان بسته شده، در مقابل آنان قرار می گیرد.

ما از دیر باز شاهدیم که در جامعه ما هر گروه اجتماعی با طرح خواسته های مشخص خود که آنها را روی پلاکاردهائی ثبت می کنند، در صحنه مبارزه علیه رژیم حضور می یابند. اتفاقاً زنان مبارز ایران نیز هر جا امکان یافته اند مطالبات خاص زنان را تا جایی که می توانستند به طور مشخص بیان کرده و در عرصه مبارزه حضور یافته اند. بنابراین مسأله نه بر سر عدم طرح خواست های ویژه زنان و نه بر سر عدم مبارزه برای تحقق آن خواست ها می باشد، بلکه همه مسأله بر سر پیمودن راهی است که باید منجر به تحقق مطالبات مورد نظر گردد. این راه در جامعه ما همان راهی است که با مبارزه مشترک زنان و مردان در کنار هم برای سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی و نابودی سیستم سرمایه داری وابسته حاکم، پیموده می شود.

ترس و واهمه شدید جمهوری اسلامی از زنان مبارز ایران به حدی است که به عنوان یک نمونه، در سال گذشته در حالی که زنان مبارزی در تهران محلی را برای تجمع به مناسبت ۸ مارچ اعلام کرده بودند، از طریق نیروهای انتظامی خود، آن محل را چنان به صورت گسترده میلیتاریزه کرد که هر گونه امکان گرد هم آئی به مناسبت این روز را از بین برد. خود این امر حکایت از قدرتی دارد که در مبارزه زنان آگاه و آزادیخواه ایران نهفته است. بنابراین تلاش رسانه های امپریالیستی - که جز در خدمت دشمنان قسم خورده زنان و مردان تحت ستم و آزادیخواه ایران فعالیت نمی کنند - برای انحراف مبارزات زنان با دستاویز قرار دادن یکی از خواسته های بحق آنان، بی دلیل نیست. واقعیت این است که بین مبارزه زنان ستمدیده ایران برای از بین بردن زنجیرهای دست و پای خود و از جمله مبارزه برای آزادی پوشش و رفع حجاب اجباری، با تلاش رسانه های امپریالیستی که در پوشش مبارزه علیه حجاب اجباری اهداف ضد

مردمی را تعقیب می کنند ، دره عمیقی وجود دارد. در اینجا است که باید دانست که بدون مبارزه با ارتجاع و رفرمیست های درون جنبش، نمی توان برآستی از حقوق زنان تحت ستم ایران دفاع نمود.

روی این امر نیز باید تأکید شود که زنان طبقه کارگر و زحمتکش بیشترین رنج و عذاب را از تحمیل حجاب به زنان توسط جمهوری اسلامی متحمل شده و می شوند و لذا از بین رفتن این اجبار یکی از خواستهای مشخص آنان می باشد. با این حال اگر برای زنان بورژوا ، رفع حجاب اجباری مهمترین خواست را تشکیل می دهد، برای این زنان که در زیر آور فقر و فلاکت و هزاران درد و رنج و مصیبت دست و پا می زنند، چنین نیست. زنان متعلق به طبقات فرو دست، مبارزه با حجاب اجباری و همه ستم های مضاعفی که بر آنان روا می شود را با مبارزه برای سرنگونی جمهوری اسلامی و نابودی سیستم سرمایه داری وابسته در ایران گره زده و همراه با مردان هم طبقه خود در این جهت حرکت می کنند. به امید فرارسیدن روزی که با پیروزی این مبارزه، شاهد به وجود آمدن شرایط رهایی زنان، پایان دادن به استثمار مضاعف، مردسالاری ، قیود مذهبی و انواع ستمهایی باشیم که سلطه نظام سرمایه داری و رژیم حاکم همچون زنجیرهای گران بر دست و پای زنان محروم اما مبارز ایران بسته است.

*- یک سطر از شعری از النور مارکس

۶ مارچ ۲۰۱۹